

تزامم حق بر محیط زیست انسان با حق بر توسعه از منظر شریعت

زین‌العابدین نجفی*

زهره نجفی**

چکیده

یکی از معضلات حوزه محیط زیست، التزام میان حق بر محیط زیست و حق بر توسعه است. زیرا از سویی توسعه در ابعاد گوناگونش برای زندگی بشر اجتناب‌ناپذیر است و از سوی دیگر، اغلب، توسعه به تخریب محیط زیست می‌انجامد. سازمان ملل برای حل این مشکل در میثاق‌های متعدد بین‌المللی، همانند اعلامیه استکهلم و اعلامیه ریو، «اصل توسعه پایدار» را به عنوان راه‌حل مطرح کرده، که حفظ محیط زیست و تأمین نیازهای نسل‌های آینده از محورهای اساسی آن است. در این نوشتار با بررسی آیات، روایات، قواعد فقهی و روش عقلا، ضمن تبیین دیدگاه شریعت درباره جایگاه حق بر محیط زیست و حق بر توسعه، نارسایی‌های «اصل توسعه پایدار» را نشان می‌دهیم و ثابت می‌کنیم که راه‌حل واقعی التزام این دو حق، توسعه عدالت‌محور اسلامی است. نهادینه‌سازی قداست محیط زیست، اخلاق محیط زیست، احکام محیط زیست، حقوق محیط زیست اسلامی و نیز عدالت سیستمی و جهان‌شمول، عدالت میان‌نسلی و عدالت درون‌نسلی از محورهای اساسی توسعه عدالت‌محور اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: حق بر محیط زیست، حق بر توسعه، توسعه پایدار، توسعه عدالت‌محور.

* استادیار گروه فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (abedin414@yahoo.com)
** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شاهد تهران (znnajafi2010@gmail.com)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

مقدمه

محیط زیست از مهم‌ترین معضلات بشر در جهان امروز است که با خطر نابودی مواجه است، به گونه‌ای که مادر مهربان طبیعت که زمانی دست و دامنش پر از ثروت و برکت بود، اکنون در فقر و فلاکت به سر می‌برد. آمارها نشان می‌دهد در هر دقیقه حدود ۳۸ هکتار از جنگل‌های جهان نابود می‌شود (لواسانی، ۱۳۷۲: ۹۷). بسیاری از گونه‌های جانوری در معرض انقراض قرار دارند. به گزارش سازمان ملل از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ نزدیک به ۶۰ درصد مهره‌داران از بین رفته‌اند و ۲۵ تا ۴۲ درصد بی‌مهرگان در معرض نابودی‌اند (www.isna.ir, ۱۳۹۸/۵/۱۸).

علاوه بر این، آلودگی صنعتی، زباله‌ها، شوینده‌ها، آلودگی کشاورزی و آلودگی نفتی، محیط زیست را با بحران مواجه کرده است. به قدری آب آلوده، از دریاچه‌ها و رودخانه‌ها به اقیانوس‌ها می‌ریزد که برخی از دانشمندان گفته‌اند: «اقیانوس ... در حال مرگ است» (آذرنگ، ۱۳۶۴: ۷۰). این در حالی است که آلودگی هوا از مهم‌ترین معضلات زیست محیطی است. این پدیده در اثر مصرف سوخت‌های فسیلی، افزایش شگرف اتومبیل، گسترش مراکز صنعتی، تخریب جنگل‌ها، مرگ گونه‌های زیستی، گازهای گلخانه‌ای و ... ایجاد شده که موجب پارگی لایه ازن و گرم‌شدن زمین شده است. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO)، فقط در اروپا، افزایش بیش از حد گوگرد، سالانه باعث مرگ ۶ تا ۱۳ هزار نفر از اشخاص بالای ۶۵ سال می‌شود (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

چنان‌که آمارها و داده‌های پیشین نشان می‌دهد، تخریب محیط زیست عمدتاً در اثر توسعه اقتصادی و صنعتی شدن پدید آمده است، به‌ویژه توسعه و صنعت قدرت‌های اقتصادی جهان که به صورت لجام‌گسیخته به صنعت و تولید، با هدف کسب سود هر چه بیشتر پرداخته و خطرها و پیامدهای ناگواری را برای محیط زیست انسان به ارمغان آورده‌اند، این در حالی است که از منظر شریعت، حق محیط زیست انسان، از اولویت ویژه برخوردار است، چراکه حیات بشر در ابعاد گوناگونش به محیط زیست وابسته است. از این‌رو قرآن کریم، قطع درختان، تخریب جنگل‌ها، مراتع و مزارع، نابودکردن نسل حیوان و انسان را از مصادیق افساد در زمین دانسته است (بقره: ۲۰۵).

از طرفی حق بشر در توسعه، تولید و صنعت نیز چشم‌پوشیدنی نیست، چراکه توسعه و صنعت در بهبود زندگی بشر، درآمدزایی اقتصاد جهان و نیروی کار نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. چنان‌که قرآن کریم، عمران و آبادانی زمین را وظیفه بشر دانسته است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

واستعمَرَكُمَّ فِيهَا؛ او است که شما را از زمین آفرید و عمران و آبادانی آن را از شما خواست» (هود: ۶۱). روشن است که عمران و آبادانی، از گستردگی و شمول برخوردار است و شامل صنعت، کشاورزی، دامداری و ... می‌شود. اینجا است که تزام میان حق بر محیط زیست انسان با حق بر توسعه آشکار می‌شود. این نوشتار در پی تبیین دلایل لزوم رعایت هر یک از حقوق یادشده و ترسیم راه رفع این تزام از منظر شریعت است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. محیط زیست

«محیط زیست» در لغت: «محیط» واژه عربی، اسم فاعل از باب افعال از ریشه «حَوَط» به معنای احاطه‌کننده، دربرگیرنده، محل زندگی انسان و اقیانوس است (معلوف، ۱۹۸۶: ۱۶۳) و «زیست» به معنای زندگی و حیات است (عمید، ۱۳۵۷: ۵۸۴؛ معین، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۷۱). بنابراین «محیط زیست» از نظر لغت به معنای محل زندگی است و نیز آنچه زندگی را در بر گرفته است. «محیط زیست» در اصطلاح: درباره محیط زیست تعریف‌های گوناگونی مطرح شده است: در متن حقوقی شورای جامعه اقتصادی اروپا آمده است: «محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است» (کیس و دیگران، ۱۳۷۹: ۵). در حقوق فرانسه، اصطلاح «محیط زیست» شامل مؤلفه‌های زیر است:

منابع طبیعی زنده و غیرزنده از قبیل هوا، آب، خاک، گونه‌های جانوری و گونه‌های گیاهی، تعامل آنها در یک اکوسیستم کامل و ویژگی‌های بارز منظره طبیعی و اموالی که بخشی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند، از قبیل بناها، مکان‌های تاریخی (فهمی، ۱۳۹۱: ۹۶).

برخی گفته‌اند:

هیچ متن حقوقی که محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف کرده باشد وجود ندارد و قوانینی که در این باره وضع شده‌اند تعریفی از آن نکرده‌اند، بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی و شهر و مناظر سخن گفته شده است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۷).

ولی در مجموع تعریفی که مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، از محیط زیست مطرح کرده، هم از نظر لفظ و هم از نظر محتوا و جامعیت، مناسب‌تر به نظر می‌رسد: محیط زیست فضایی است با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست‌کننده در آن را شامل می‌شود و مجموعه روابط بین آنها را در بر می‌گیرد (دفتر حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲).

محیط زیست بنا به نظر کارشناسان به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. محیط زیست طبیعی:

به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های خدادادی است و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها، چشم‌اندازها و ... می‌گردد. عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست طبیعی، شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی‌جان (خاک، آب و هوا) می‌باشد (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۸).

ب. محیط زیست انسانی: «به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که به دست بشر ساخته شده و زاییده تفکر او می‌باشد» (همان).

۲.۱. توسعه

«توسعه» در لغت: واژه‌ای عربی، به معنای فراخی و گشادگی (عمید، ۱۳۵۷: ۳۵۲)، معادل لفظ انگلیسی development است، که مشتق از واژه develop، به معنای رشدیافتن، گسترش‌یافتن، آشکارشدن، پیش‌رفتن، و آبادشدن است (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۳۵).

«توسعه» در اصطلاح: «توسعه» به مفهوم امروزی‌اش را نخستین بار ابن‌خلدون مطرح کرده است. او «عمران» را معادل مفهوم «توسعه» دانسته و درباره آن مطالب فراوانی مطرح کرده است. مثلاً تکرر علوم را ملازم تکرر عمران دانسته و گفته است: «انّ العلوم انما تكثر حیث یكثر العمران» (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۴۳۴). وی با به‌کاربردن عبارت «علم العمران» همه علوم متداول زمانش را زیرمجموعه عمران می‌دانست (همان: ۴۳۵). همچنین، می‌گوید عمران باید روشمند، و سیاستی بر آن حاکم باشد (همان: ۳۰۱).

در عصر حاضر، برای «توسعه» تعریف‌های گوناگونی مطرح شده است. بر اساس نظر ایو ژاک کوستو، «توسعه» به تمامی فعالیت‌ها و کارهای انسان گفته می‌شود که برای بهترکردن زندگی‌اش در محیط زیست انجام می‌دهد (مهرآرا و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۲). تودارو «توسعه» را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵). در فرهنگ علوم سیاسی، «توسعه» عبارت است از: «گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه» (آقابخی، ۱۳۶۶: ۸۰).

به نظر می‌رسد از میان تعریف‌های گوناگونی که درباره «توسعه» مطرح شده، مناسب‌ترین تعریف، همانی است که در مقدمه اعلامیه «حق توسعه»، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ذکر شده است:

توسعه فرآیندی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد، بر اساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند آنها، هم در انجام و هم در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن تحقق می‌یابد (خرازی، ۱۳۸۷: ۱۱).
در این تعریف، هم حقوق بشر و هم آزادی‌های اساسی مربوط، به خوبی لحاظ شده است.

۲. جایگاه حق بر محیط زیست در شریعت

از منظر شریعت، محیط زیست، حق عمومی و متعلق به همه انسان‌ها بدون مرز زمان و مکان است، بدین معنا همان‌طور که همه انسان‌های موجود روی کره زمین از هر رنگ و نژاد، مرد و زن، بزرگ و کوچک، بر محیط زیست حق دارند، انسان‌هایی که در آینده پا به عرصه کره خاکی می‌گذارند نیز بر محیط زیست حق خواهند داشت، از این‌رو بر همه انسان‌ها، از جمله بر همه دولت‌ها، لازم است در حفظ محیط زیست به هر نحو ممکن بکوشند و به آن آسیبی نرسانند و در صورت واردکردن آسیب، موجب تضييع حقوق انسان‌های دیگر، از نسل حاضر و آینده، می‌شوند و ضامن خواهند بود. دلایل فراوانی بر امور یادشده اقامه می‌شود، از جمله:

۲.۱. نصوص

اهتمام دین اسلام به محیط زیست به حدی است که در منطق قرآن کریم قطع درختان، تخریب جنگل‌ها، مراتع و مزارع، نابودکردن نسل حیوان و انسان، از مصادیق افساد در زمین است: «و اذا

تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ؛ و هر گاه روی برگرداند (یا به ریاستی رسد) کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و حرث و نسل را نابود سازد» (بقره: ۲۰۵). بنا به گفته مفسران، مقصود از «حرث» در این آیه، گیاه به معنای عام و مقصود از «نسل» اعم از نسل انسان و حیوان است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۹۶؛ طبرسی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۴۴).

پیامبر اکرم ﷺ حتی در جنگ، مردم را از بریدن درختان و تخریب محیط زیست نهی می‌کردند: «و لا تَقْتُلُوا شَيْخاً فَانِيّاً و لا صَبِيّاً و لا اِمْرَأَةً و لا تَقْطَعُوا شَجَرًا اِلَّا اَنْ تَضُرُّوا اِلَيْهَا؛ (در جنگ‌ها) از کشتن پیرمردان، کودکان و زنان پرهیزید، درختان را قطع نکنید مگر آنکه ضرورتی در میان باشد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۷). همچنین، ایشان مسلمانان را از ریختن سمّ و مواد شیمیایی در سرزمین دشمن، به طور کلی نهی کرده‌اند: «قال امير المؤمنين عليه السلام: نهی رسول الله ﷺ اَنْ يُلْقَى السَّمّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛ امیر مؤمنان فرمود: رسول خدا ﷺ (مجاهدان را) از ریختن سمّ در بلاد مشرکان نهی کرده است» (همان: ۲۸).

امامان معصوم ﷺ مردم را از وارد کردن کمترین آسیب به محیط زیست بر حذر داشته‌اند. امام علی علیه السلام فرمود: «ولا يجوز التغوطُ على شُطُوطِ الأَنْهَارِ؛ قضای حاجت در ساحل رودها جایز نیست» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۹). دقت در مجموع آیات و روایات باب ما را به این نتیجه می‌رساند که:

۱. محیط زیست در شریعت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
۲. محیط زیست، حق همه انسان‌ها است و در شریعت، هیچ‌کس راجع به محیط زیست، امتیاز خاصی ندارد.
۳. حق بر محیط زیست، مرز زمانی و مکانی ندارد و همه انسان‌ها راجع به محیط زیست از حقوق یکسانی برخوردارند.
۴. تخریب محیط زیست از نظر حقوقی دارای ضمان است و از نظر کیفری مجازات به همراه دارد. در روایتی آمده است:

أَنَّهُ قَضَى فِي مَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَثْبًا، أَوْ قَطَعَ شَجَرًا، أَوْ أَفْسَدَ زَرْعًا ... أَنْ يُغْرَمَ قِيمَةَ مَا اسْتَهْلَكَ وَأُفْسِدَ، وَيُضْرَبَ جِدَاتٍ نَكَالًا؛ امام علی علیه السلام درباره کسی که حیوانی را بیهوده بکشد، یا درختی را قطع نماید یا زراعتی را تخریب نماید و ... حکم فرمود که باید چنین کسی قیمت آنچه را که

تباه کرده به عنوان غرامت بپردازد، علاوه بر این چند تازیانه از باب تأدیب بر او نواخته شود (نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۹۵).

۲.۲. قاعده عدالت

قرآن کریم در مواضع گوناگون، مسلمانان را به عدالت امر کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خداوند فرمان می‌دهد با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی نمایید» (نحل: ۹۰). این قاعده در فقه به «قاعده عدل و انصاف» معروف است و مدرک آن روایات، دلیل عقلی و بنای عقلا است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۵۹-۱۶۰). دقت در محل کاربرد قاعده و دلایلی که اقامه شد (دلیل عقل و بنای عقلا)، نشان می‌دهد که، محیط زیست بدون شک از مواضع کاربرد این قاعده است، زیرا مقتضای عدالت آن است که همه انسان‌ها راجع به محیط زیست از حقوق یکسان برخوردار باشند، چراکه محیط زیست تجزیه‌ناپذیر است و همه ساکنان کره زمین به منزله سرنشینان یک کشتی، در مجموع سود و زیان آن شریک‌اند. بنابراین، استفاده هر فرد یا هر نسل از محیط زیست باید عادلانه باشد. در نتیجه، بهره‌برداری غیرعادلانه، اضرار به حقوق دیگران است و موجب ضمان خواهد بود.

۲.۳. قاعده احترام مال مسلمان

مقصود از این قاعده آن است که مال مسلمان مصونیت دارد و تصرف مجانی در آن و تجاوز به آن جایز نیست (همان: ۲۴). دلایلی از روایات و سیره متشرعه بر این قاعده اقامه شده است، از جمله روایت موثقی از امام باقر علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سبابُ المؤمن فسوق ... و حرمةُ ماله كحرمة دمه؛ دشنام‌دادن به مؤمن موجب فسق و فجور است ... و حرمت مال مؤمن همانند حرمت خون وی است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۶۰). تشبیه مال مؤمن به خون وی در این حدیث نهایت اهمیت را به رعایت اموال مسلمانان در شریعت می‌رساند. نظر به اینکه بسیاری از کشورهای جهان، مسلمان‌نشین است و از طرفی محیط زیست کره زمین از آب، هوا، خاک، جنگل‌ها و مراتع مجموعه‌ای به هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر از نظر حفاظت و سلامت است، لذا می‌توان گفت محیط زیست کره زمین، در حکم اموال مسلمانان است و رعایت احترامش، همانند خون مسلمانان لازم

است و مرتکبان تخریب محیط زیست، از نظر کیفی شایسته مجازات‌اند و از نظر حقوقی ضامن جبران خسارت آن خواهند بود.

۲.۴. قاعده لاضرر

معنای قاعده عبارت از نفی حکم ضرری در شریعت است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۴۳). روایات مربوط به این قاعده تقریباً در حدّ تواتر است (همان: ۲۴۴؛ بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۳). مهم‌ترین روایتی که مدرک قاعده یادشده است، حدیث «لاضرر و لاضرار» است که میان فریقین مشهور است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۴۴؛ بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۱). بر اساس برخی از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۳۴). موسوی خمینی با مطرح کردن بحثی طولانی می‌گوید «لا» در روایت ناهیه است و نهی در آن، حکومتی است، پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت که حاکم اسلامی بوده، دستور حکومتی صادر کرده و مردم را از ضررزدن به یکدیگر نهی کرده و آن را تحریم کرده است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۳: ۱۱۷).

معنای حدیث بر اساس دیدگاه یادشده چنین است: «ضرررساندن به یکدیگر در اسلام حرام است»، چنان‌که به نظر نراقی، شارع با حکم یادشده مردم را ملزم به جبران ضرر کرده است، بدین معنا هر کسی که موجب ضرر و زیان به غیر شود باید آن را جبران کند. پس اضرار به غیر موجب ضمان خواهد بود (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۱-۶۵). بنابراین، قاعده لاضرر هم در احکام تکلیفیه جاری است و هم در احکام وضعیه. در نتیجه «تخریب، آلودن، نابودکردن، و از انتفاع خارج نمودن هر یک از عناصر محیط زیست، به دلیل اینکه متعلق به عموم هستند، اضرار به غیر و از نظر تکلیفی حرام و از نظر وضعی محکوم به بطلان و عدم نفوذ، و ضمان است» (فهیمی، ۱۳۹۱: ۷۴).

۲.۵. دلیل عقل و بنای عقلا

تجزیه و تحلیل عقلی نشان می‌دهد که محیط زیست حق همه انسان‌ها است و تخریب محیط زیست از نظر حقوقی دارای ضمان است و از نظر کیفی مجازات خواهد داشت، زیرا عقل حکم می‌کند آنچه حیات همه انسان‌های روی کره زمین به آن وابسته است و اگر آسیب جدی بر آن وارد شود، زندگی همه انسان‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد، عقل حکم می‌کند چنین امری لازم

است مورد صیانت و حمایت جدی همه انسان‌ها قرار گیرد و برای تخریبش ضمانت حقوقی و مجازات کیفری در نظر گرفته شود وگرنه همانند سوراخ کردن کشتی به دست برخی افراد نادان خواهد بود که همه سرنشینان را غرق می‌کند.

چنان‌که عقلای جهان برای محیط زیست انسان اهتمام ویژه‌ای قائل شده‌اند و در میثاق‌های بین‌المللی برای آن جایگاه رفیعی اختصاص داده‌اند، به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۲ کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست در استکهلم سوئد تشکیل شد. در این کنفرانس، که بیش از ۶۰۰۰ نفر از ۱۱۳ کشور جهان حضور داشتند، اعلامیه‌ای درباره محیط زیست صادر شد که به اعلامیه استکهلم مشهور شده و در ماده یک آن، محیط زیست به عنوان حق بنیادین انسان قلمداد شده است (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۱). در نهایت مسائل مربوط به محیط زیست جنبه بین‌المللی پیدا کرد و حقوق بین‌الملل محیط زیست تدوین شد و در آن آمده است: «حقوق بین‌الملل محیط زیست مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که هدف آن، حفاظت از محیط زیست است» (همان: ۲۵).

۳. جایگاه حق بر توسعه در شریعت

در اسلام به توسعه و عمران، سخت اهتمام شده، به گونه‌ای که در قرآن کریم، توسعه و عمران زمین وظیفه بشر پس از خلقت دانسته شده است (هود: ۶۱). همچنین، توسعه و عمران زمین از اولین و مهم‌ترین هدف هبوط آدم بر زمین شمرده شده است (بهج/البلاغه، خطبه ۹۱: ۱۶۶) و نیز توسعه و رفاه عمومی از شاخص‌های حکومت موعود امام مهدی علیه السلام قلمداد شده و مؤمنان همواره در انتظار آن به سر می‌برند (مجلسی، ۱۴۱۵، ج ۵۱: ۸۳).

بنابراین، از دیدگاه اسلام، حق توسعه و عمران از حقوق مهم بشر در کره زمین بوده و به راحتی نمی‌توان فرد یا دولتی را از حق یادشده محروم کرد. مهم‌ترین دلایل این مطلب چنین است:

۳.۱. نصوص

آیات و روایات فراوانی جایگاه توسعه و عمران را در زندگی بشر نشان می‌دهند که برخی از آنها را از باب نمونه ذکر می‌کنیم:

۳. ۱. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او است که شما را از زمین آفرید و عمران و

آبادانی آن را از شما خواست» (هود: ۶). با دقت در این آیه به دست می‌آید که اولاً، عمران و آبادانی

مطرح‌شده در آیه، عام و گسترده است و همه اموری که امروزه «توسعه» نامیده می‌شود از صنعت، کشاورزی، دامداری و ... مشمول آن است. ثانیاً، اهتمام دین اسلام به توسعه و عمران به حدی است که در آیه مذکور، توسعه و عمران زمین، وظیفه بشر پس از خلقت دانسته شده است، چراکه واژه «استعمر» از باب استفعال و به معنای طلب و خواستن عمران و آبادی است. زمخشری می‌گوید: «معنای استعمار، امر به عمران و آبادی است» (زمخشری، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۷). بنابراین، مفاد آیه عبارت است از وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع، صنعت و تولید و هر آنچه عمران و آبادانی نامیده می‌شود، زیرا متعلق فعل «استعمر» حذف شده و حذف متعلق بر عمومیت و گستردگی‌اش دلالت دارد (تفتازانی، ۱۳۶۸: ۱۷۴).

۳. ۱. ۲. امام علی علیه السلام فرمود: «فَاهْبِطْ بَعْدَ التَّوْبَةِ لِيَعْمُرَ أَرْضَهُ بِنَسْلِهِ؛ خداوند آدم را پس از توبه، در زمین فرود آورد تا با نسل او زمین را آباد سازد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱: ۱۶۶). لام در عبارت «لِيَعْمُرَ» به معنای غایت است. در نتیجه در این حدیث توسعه و عمران زمین از اولین و مهم‌ترین هدف هبوط آدم در زمین شمرده شده است.

۳. ۱. ۳. امام علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر فرمود: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْبِلَادِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ؛ باید اندیشه‌ات درباره عمران و آبادانی زمین، بیش از اندیشه‌ات درباره جمع‌آوری مالیات باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۶۸۸). لام در «لِيَكُنْ» برای امر است و دلالت بر وجوب دارد. پس امام علیه السلام به صورت الزامی به مالک فرمان داده است که تلاشش در عمران و آبادی زمین، بیش از تلاشش در جمع‌آوری مالیات باشد، با اینکه مالیات، مایه قوام حکومت است. روشن است که این توصیه شدت اهتمام امام علیه السلام را به توسعه و عمران زمین می‌رساند و این چیزی است که هیچ چیز دیگر نمی‌تواند جایگزینش شود. نیز از حدیث یادشده استفاده می‌شود که از وظایف مهم حاکم اسلامی عمران و آبادانی زمین است. او در قبال دریافت مالیات، مسؤل توسعه و عمران و آبادانی کشور خواهد بود.

۳. ۱. ۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ، يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهَ؛ امت من در زمان حکومت مهدی به گونه‌ای بی‌سابقه از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند، آسمان پیوسته باران رحمتش را بر آنها می‌بارد و

زمین همه روییدنی‌هایش را آشکار می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۱۵، ج ۵۱: ۸۳). این حدیث نیز جایگاه مهم توسعه و عمران را در شریعت نشان می‌دهد، بدین معنا که اصل توسعه و عمران زمین مطلوب است، به گونه‌ای که از شاخص‌های حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است و مؤمنان، پیوسته در انتظار تحققش به سر می‌برند.

۲.۳. قاعده سلطنت

معنای قاعده آن است که مالک بر مال خویش به نحو کامل و شامل تسلط دارد، هر گونه که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند و هیچ مانعی بر سر راه تصرفات حلال او نیست (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۳۶).

مهم‌ترین دلیل این قاعده، حدیث نبوی «النَّاسُ مَسْلُوبُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» است. دلالت حدیث بر قاعده سلطنت و فراگیری‌اش بر انواع سلطنت تمام است (انصاری، ۱۴۳۰، ج ۳: ۴۱؛ مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۳۶)، ولی این حدیث از نظر سند اشکال دارد. زیرا مرسل است و در هیچ یک از کتب اربعه شیعه ذکر نشده است. در نتیجه حدیث یادشده با عنوان خاص خود معتبر نیست ولی مدلول حدیث از روایات فراوانی که در ابواب معاملات وارد شده و برخی از آنها صحیح است، استفاده می‌شود. بنابراین، قاعده سلطنت، مدلول روایات فراوان و معتبر است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۳۷). علاوه بر این، سیره عقلا بر تسلط کامل و بدون محدودیت صاحب مال بر مالش استقرار یافته است، مگر در جایی که ضرر یا حرمتی در میان باشد (همان). وانگهی تسالم فقها بر مدلول قاعده نیز از دلایل اعتبار آن به شمار می‌رود (همان).

قاعده سلطنت اقتضا دارد که اشخاص و دولت‌ها در محدوده اموال شخصی، عمومی و دولتی به تناسب مالکیت به هر نحو که بخواهند تصرف کنند و با پرداختن به صنعت و افزایش تولید زمینه توسعه اموال و کشور خود را فراهم آورند. به موجب قاعده یادشده کشورها حق دارند در پیشرفت صنایع مهم و راهبردی مربوط به نفت و گاز خود بکوشند، منابع معدنی و ذخایر تحت‌الأرضی خود را استخراج کنند و ... منتها اگر این امور تا حدودی منجر به تخریب محیط زیست شود نمی‌توان مالکان را از سلطنت یادشده به طور کلی محروم کرد، بلکه باید با سنجش همه جهات، بهترین راه‌حل را، هم برای رعایت قاعده سلطنت و هم رعایت حق بر محیط زیست، یافت.

۳.۳. دلیل عقل و بنای عقلا

تجزیه و تحلیل عقلی درباره توسعه و عمران، ما را به این نتیجه می‌رساند که امور پُرمفعت و دارای مصلحت فراوانی همانند صنعت، نفت و گاز، در زندگی انسان‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، نقش مفید و تأثیرگذار دارند و از دیدگاه عقل، روا نیست که بشر از آنها محروم شود. اکنون صنعت، سهم بالایی در درآمدزایی اقتصادی دارد و نیروی کار فراوانی در بخش صنعت امرار معاش می‌کنند. نفت و گاز مهم‌ترین منبع تأمین انرژی بشر است و در معادلات اقتصادی سیاسی جهان اهمیت راهبردی دارد و بسیاری از فرصت‌های اقتصادی جهان مربوط به آن است. صنعت فناوری رهایی‌بخش به شمار می‌رود و محرک صنایع فراوان دیگر است. از این رو دولت‌ها برای صنعت خودرو اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند و بخش مهمی از درآمدهای ملی دولت‌ها، مربوط به صنعت خودرو و قطعه‌سازان است. به حکم عقل از امور پُرمفعت و دارای مصلحتی در این حد، جایز نیست چشم‌پوشی شود و این همه صنعت و تولید در ابعاد گوناگونش تعطیل، و مردم بیکار و محروم شوند، مگر آنکه دلیل قاطعی در برابر آن وجود داشته باشد. وانگهی عقلای جهان بالاتفاق برای صنعت و عمران اهمیت ویژه قائل‌اند و همه کشورها از آن حمایت می‌کنند. تاکنون هیچ کشوری به سبب محیط زیست دست از توسعه و عمران نکشیده، بلکه همه عقلا به دنبال راه‌حلی هستند که در سایه آن هر دو حق محفوظ بماند.

در میثاق‌های بین‌المللی که عقلای جهان، برای حفاظت و حمایت از محیط زیست منعقد کرده‌اند، از توسعه اقتصادی و اجتماعی حمایت، و بر آن تأکید شده است (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۶۴). توسعه در ابعاد وسیعش به قدری نزد عقلای جهان مهم است که در ۱۹۸۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه حق توسعه به تصویب رسید. در این اعلامیه حق توسعه به عنوان حق جهانی و انکارناپذیر و بخش جدانشدنی حقوق اساسی بشر شناخته شده است (خرازی، ۱۳۸۷: ۲۸-۳۵).

بنابراین، از منظر شریعت، حق توسعه و عمران، انکارناپذیر و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و برای حل مشکل تراحم نمی‌توان آن را کنار گذاشت و حق بر محیط زیست را بر آن ترجیح داد، چنان‌که حق بر محیط زیست نیز در زندگی بشر اولویت دارد و جایگزینی ندارد، و نمی‌توان برای حل مشکل تراحم، آن را کنار گذاشت. پس باید ببینیم راه‌حل تراحم یادشده چیست.

۴. توسعه پایدار

سازمان‌های بین‌المللی برای حل مشکل تراحم میان حق بر محیط زیست و حق بر توسعه، مسئله توسعه پایدار را مطرح کرده‌اند. چنان‌که پس از پایان دهه ۱۹۸۰ «اصل توسعه پایدار» به عنوان کلید حل مسائل حوزه حفاظت از محیط زیست مطرح شده (کیس و دیگران، ۱۳۷۹: ۹۹) و در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در ۱۹۸۷ چنین تعریف شده است: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای جوامع کنونی را برطرف سازد اما خللی در توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان وارد نسازد» (همان: ۹۹؛ فیروزی، ۱۳۸۵: ۶۹).

۴.۱. محورهای توسعه پایدار

۴.۱.۱. عدالت میان‌نسلی: چنان‌که در تعریف «توسعه پایدار» مشهود است یکی از محورهای برجسته توسعه پایدار، عدالت میان‌نسلی است. طبق اصل سوم «اعلامیه محیط زیست و توسعه» که به اعلامیه ریو معروف است: «حق توسعه باید مشروط بر این باشد که نیاز نسل کنونی و آینده با توجه به توسعه و محیط زیست، به طور عادلانه مراعات شود» (لواسانی، ۱۳۷۲: ۱۳۰).

۴.۱.۲. حفظ محیط زیست: این محور نیز، در اصل توسعه پایدار از برجستگی خاصی برخوردار است، چنان‌که اصل چهارم اعلامیه یادشده می‌گوید: «به منظور دستیابی به یک توسعه مستمر، باید حفاظت از محیط زیست به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی شود و نباید آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد» (همان).

۴.۱.۳. محو فقر: اعلامیه یادشده، در اصل پنجم، مقرر می‌دارد: «دولت‌ها و مردم همه باید در راه وظیفه اساسی محو فقر، که شرطی ضروری برای توسعه پایدار است، به منظور کاهش اختلاف سطح زندگی و پاسخ بهتر به نیازهای اکثریت مردم دنیا، با یکدیگر همکاری نمایند» (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۷۱).

۴.۱.۴. ترویج سیاست مہار جمعیت: طبق اصل هشتم اعلامیه: «به منظور دستیابی به یک توسعه پایدار و کیفیت زندگی بالاتر برای همه مردم، دولت‌ها می‌بایستی شیوه‌های ناسازگار تولید و مصرف را کاهش و حذف نموده و سیاست‌های کنترل جمعیت مناسب را ترویج نمایند» (همان: ۳۷۲).

بررسی

گرچه در اصل توسعه پایدار، که در میثاق‌های بین‌المللی مطرح شده، نکات مثبتی به چشم می‌خورد، ولی راه‌حل مشکل بشر در حوزه محیط زیست و سایر اهداف مد نظر نخواهد بود، زیرا: الف. مفهوم «توسعه پایدار»، مبهم و گاه تناقض‌آلود است، و هیچ‌گونه توافق گسترده‌ای در این باره که عملاً چگونه باید آن را تحقق بخشید، وجود ندارد (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۳۳۷)، زیرا واژه‌های «توسعه» و «پایدار» هر دو مبهم و تفسیرپذیرند، وانگهی میان توسعه و پایداری تناقض وجود دارد که در این نوشتار مجال بحث از آن نیست، اما می‌توان به کتاب‌هایی که در این باره تحقیق کرده‌اند، همانند *دانش‌نامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، اثر گریفیتس مراجعه کرد (همان: ۳۳۹-۳۲۸). گریفیتس پس از بحثی طولانی و اثبات تناقض میان توسعه و پایداری، در پایان نتیجه گرفته است که توسعه مساوی با سرمایه‌داری و گرم‌شدن هوای زمین است (همان: ۳۳۸).

ب. عدالت مد نظر در توسعه پایدار، محدود و گزینشی است. زیرا در میان این همه نیازهای مادی و معنوی بشر به چند نیاز محدود مادی توجه شده است، همانند عدالت میان‌نسلی، مسئله فقر و مهار جمعیت.

روشن است که توجه به عدالت به صورت محدود و گزینشی بدون توجه به عدالت جهان‌شمول و یکپارچه هستی و بدون توجه به قابلیت‌های مادی و معنوی بی‌انتهای جهان چندان مفید نخواهد بود.

ج. توسعه پایدار بر پایه فرهنگ غربی بنا شده و نتیجه‌اش تحمیل فرهنگ غربی بر دیگر جوامع خواهد بود. آنها به اسم «توسعه» همه چیز ملت‌های دیگر، حتی دین، آداب و رسوم آنها، را هدف گرفته‌اند. مایکل تودارو می‌گوید: «توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است» (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۶). این در حالی است که در اصل هشتم «اعلامیه محیط زیست و توسعه» ترویج سیاست مهار جمعیت، آشکارا از محورهای توسعه پایدار شمرده شده است (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۷۲). روشن است که با توسعه پایدار غربی نه تنها مشکل جوامع دیگر حل نخواهد شد، بلکه محیط زیست تخریب می‌شود و نسل آنها به پیری و انقراض کشیده

خواهد شد، چنان‌که، به گفته تودارو، پاره‌ای از کشورها در دهه ۱۹۶۰ در حال توسعه بودند، در حالی که فقر، نابرابری و اشتغال این کشورها هیچ‌گونه توسعه‌ای نداشته‌اند (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۴).
 د. توسعه پایدار غربی به صورت رونمایی و بریده از عدالت سراسری جهان هستی لحاظ شده و از پشتوانه ایمانی، اخلاقی و فرهنگی عمیق برخوردار نیست و ثمره چندانی برای بشر و محیط زیست او نخواهد داشت، چنان‌که وضعیت اسفبار محیط زیست کره زمین با وجود این همه میثاق‌های بین‌المللی همانند اعلامیه استکهلم، اعلامیه ریو و ... (موسی، ۱۳۸۰: ۳۷۶-۳۵۹)، گواه این حقیقت است، ولی توسعه عدالت‌محور اسلامی، با عنایت به پشتوانه‌های عمیق ایمانی، اخلاقی، فرهنگی، و نگاه قداست‌آمیز به محیط زیست و تعمیق باورهای درست راجع به جهان، همانند باور به عدالت سیستمی و یکپارچه حاکم بر جهان هستی، که هماهنگ با فطرت بشر است، در صورت اجرا در عمق جان انسان‌ها خواهد نشست. در نتیجه هم حفاظت محیط زیست و هم توسعه مستمر و حقیقی را به دنبال خواهد داشت.

۵. توسعه عدالت‌محور اسلامی

چنان‌که ملاحظه شد، توسعه پایدار غربی، راه‌حل مناسبی برای حل مشکل تزام توسعه و محیط زیست نیست، ولی دقت در ادله حقوق یادشده، به‌ویژه نصوص باب، ما را به این نتیجه می‌رساند که راه‌حل مسئله تزام یادشده از نگاه شریعت، توسعه عدالت‌محور اسلامی با عنایت به محورهای ذیل است:

۵. ۱. محورهای توسعه عدالت‌محور اسلامی

۵. ۱. ۱. **نهادینه‌سازی محورهای دینی مربوط به محیط زیست:** یکی از اشکال‌های اساسی توسعه پایدار غربی، بی‌بهره‌بودن از پشتوانه ایمانی و فرهنگی عمیق در محورهایی همانند محیط زیست است، چنان‌که اقبال لاهوری معتقد است: «بحران زیست‌محیطی کاملاً یک بحران فرهنگی است و راه‌حل آن هم باید از همین رهگذر پی‌گیری شود و چاره‌ای جز این نیز نیست. راه‌هایی که بشر امروز به دنبال آن است، مانند تشکیل جلسات و تنظیم کنوانسیون‌ها، چاره‌نهایی نیست» (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۴۷). از این‌رو لازم است محورهای دینی مربوط به حوزه محیط زیست در جامعه نهادینه شود، محورهایی همانند:

الف. قداست محیط زیست: جوادی آملی مسئله «قداست حفظ محیط زیست، همسان اجر تلاوت قرآن» را مطرح کرده (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۵) و نیز مبحث «تأثیر احیای محیط زیست در سعادت اخروی» را پیش کشیده است (همان: ۱۹۹). سید حسین نصر نیز مسئله قداست طبیعت را مطرح کرده و گفته است: «بگذار حرمت حقیقت قدسی آن را نگه داریم و با تهاجم سیری‌ناپذیری، آن را مثله نکنیم. زیرا زندگی ما در روی زمین نابود می‌شود... البته طبیعت از آغاز به دست خود خداوند قداست یافته است» (نصر، ۱۳۸۹: ۵۱۳). محقق داماد نیز مسئله «تجلی کلام الهی در طبیعت» را پیش کشیده است (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

ب. اخلاق محیط زیست: به حق باید گفت محیط زیست بدون نهادینه‌سازی اخلاق محیط زیست در جامعه حفظ نخواهد شد، چنان‌که در این زمینه کتاب‌هایی نگاشته شده است، همانند کتاب *اخلاق و محیط زیست*، که در آن مباحثی همچون «اخلاق و الگوی مصرف منابع طبیعی از دیدگاه اسلام» مطرح شده است (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

ج. احکام محیط زیست: از جمله اموری که در حفظ محیط زیست نقش بسزایی دارد ترویج و نهادینه‌سازی احکام محیط زیست در میان مردم است، احکامی که فقیهان از منابع اصیل فقه در حوزه محیط زیست استنباط می‌کنند، چنان‌که در این زمینه کتاب *الاهیات محیط زیست* تدوین شده و در آن «فقه محیط زیست» مطرح شده است (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

د. حقوق محیط زیست اسلامی: ترویج و نهادینه‌سازی این محور نیز در حفظ محیط زیست نقش فراوانی دارد، زیرا گرچه ترویج حقوق محیط زیست به طور کلی در حفظ محیط زیست تأثیرگذار است ولی ترویج و نهادینه‌سازی حقوق اسلامی در این باب که هماهنگ با فطرت و دین مردم است تأثیر عمیق‌تری خواهد داشت. درباره حقوق محیط زیست، گرچه کتاب و مقاله‌های فراوانی تدوین شده ولی با عنوان «حقوق محیط زیست اسلامی» کار چندانی صورت نگرفته است.

۵. ۱. ۲. عدالت سیستمی و جهان‌شمول: یکی از محورهای مهم در توسعه عدالت‌محور اسلامی، عدالت سیستمی و جهان‌شمول است. زیرا عدالت مد نظر اسلام، صرفاً عدالت فردی و اجتماعی نیست، بلکه علاوه بر آن، عدالت یکپارچه و جهان‌شمول مطرح است که بر سرتاسر جهان هستی، از اتم تا کهکشان، حاکم است و از آن به «عدالت تکوینی» تعبیر می‌شود. «عدالت

تکوینی» به معنای وجود تعادل و توازن در سراسر جهان هستی است، بدین معنا که خداوند در آفرینش همه موجودات، همه قابلیت‌های ممکن را رعایت کرده و همه استحقاق‌های ممکن را عطا کرده است. مطهری می‌گوید:

عدالت به معنای رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود است ... ذات مقدّس حق ... به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، اعطا می‌کند ... عدل الهی در نظام تکوین یعنی هر موجودی، هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد دریافت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۸۲).

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ؛ آسمان را برافراشت، و ابزار سنجش را برقرار نمود» (الرحمن: ۷). فیض کاشانی در تفسیر این آیه گفته است: «خداوند عدالت را برقرار نمود، بدین نحو که به هر صاحب استعدادی، آنچه که استحقاق داشته، عطا نمود» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۷). مطهری در تفسیر این آیه می‌گوید: «مقصود آن است که در ساختمان جهان، رعایت تعادل شده است، در هر چیز، از هر ماده‌ای، به قدر لازم استفاده شده است» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۹).

پیامبر ﷺ فرموده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ آسمان‌ها و زمین بر اساس عدالت استوار است» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۷). آنچه تعادل میان حق بر محیط زیست و حق بر توسعه را برقرار می‌سازد باور و رفتار بر اساس عدالت سیستمی و جهان‌شمول است که رهاورد دین بزرگ اسلام است و بر اساس آن، انسان حق ندارد تعادل و توازن موجود در کره زمین را بر هم بزند. ایمان به عدالت جهان‌شمول است که موجب می‌شود انسان بهره‌برداری افزون بر حدّ لازم از طبیعت را ستمی بزرگ بداند، حرمت همه موجودات را نگه دارد، تعادل محیط زیست را بر هم نزند؛ علاوه بر تحقق عدالت در جامعه انسانی، به دنبال تحقق عدالت در گونه‌های حیوانی، نباتی و سایر پدیده‌ها باشد؛ به حیوانات آزار نرساند و نسل آنها را از بین نبرد؛ گیاهان را نابود نکند؛ حتی سنگ، صخره و پدیده‌های طبیعی دیگر را از بین نبرد؛ از منابع و معادن عادلانه بهره‌برداری کند؛ مراتع را نابود نسازد؛ آب‌ها را مسرفانه مصرف نکند.

۵. ۱. ۳. عدالت میان نسلی: در میثاق‌های بین‌المللی همانند گزارش کمیسیون جهانی

توسعه و محیط زیست (کیس و دیگران، ۱۳۷۲: ۹۹) و اعلامیه ریو (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۷۱) و سایر میثاق‌ها،

عدالت میان‌نسلی مطرح شده است. مثلاً در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ آمده است: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای جوامع کنونی را برطرف سازد اما خللی در توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان وارد نسازد» (کیس و دیگران، ۱۳۷۲: ۹۹؛ فیروزی، ۱۳۸۵: ۶۹). در اسلام به عدالت میان‌نسلی در مسئله توسعه و محیط زیست به طور عمیق و همه‌جانبه توجه شده است. زیرا در اسلام علاوه بر وجود عدالت تکوینی، که همان عدالت یکپارچه و جهان‌شمول است و بر سراسر جهان هستی حاکم است، عدالت تشریحی نیز مطرح است که همه مسلمانان در ابعاد گوناگون زندگی خود بدان مکلف‌اند و در هر اوضاع و احوالی لازم است به آن پای‌بند باشند. با این توضیح که عدالت تشریحی بر دو قسم است:

الف. عدالت تشریحی الاهی: بدین معنا که در نظام جعل و وضع و تشریح قوانین همواره

اصل عدل رعایت شده و می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۰). قرآن کریم می‌فرماید: «قل امر ربی بالقسط؛ بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است» (اعراف: ۲۹). مطهری می‌گوید این آیه مربوط به نظام تشریحی اسلام است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۰).

ب. عدالت تشریحی بشری: این قسم همان است که از آن به «عدالت اجتماعی» یاد

می‌شود. مطهری در تعریف آن می‌گوید: «رعایت حقوق افراد و عطاکردن به هر ذی‌حقی، حق او را ... معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معنا است» (همان: ۸۰). وی می‌گوید:

بیشترین آیات مربوط به عدل، درباره عدل جمعی و گروهی است ... در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت ... همه بر محور عدل استوار است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است (همان: ۶۱).

مقصود از «عدالت تشریحی» در این مبحث، همین قسم، یعنی عدالت تشریحی بشری است، که از آن به «عدالت اجتماعی» یاد می‌شود و در منطق اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که در هیچ اوضاع و احوالی، حتی در برابر دشمن و در حال جنگ، ترک آن جایز نیست: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ مبدا دشمنی با قومی، شما را وادار کند که به عدالت رفتار نکنید. (در هر حال) به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است» (مائده: ۸).

خداوند متعال، به طور عام و فراگیر همه انسان‌ها را فرمان به رعایت عدالت داده است که به نظر می‌رسد مقصود همان عدالت اجتماعی با تعریف یادشده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خداوند فرمان می‌دهد با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی نمایید» (نحل: ۹۰). چنان‌که مطهری گفته است (۱۳۸۸، ج ۱: ۶۱) هدف تشریح نبوت از دیدگاه قرآن کریم، مسئله عدالت است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت نمایند» (حدید: ۲۵).

از مصادیق عدالت تشریحی، عدالت میان‌نسلی در مسئله توسعه و محیط زیست است، بدین معنا که مسلمانان موظف‌اند درباره توسعه و محیط زیست به گونه‌ای نیازهایشان را برآورده کنند که خللی به توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان وارد نشود.

پس علاوه بر عدالت تکوینی و جهان‌شمول، عدالت تشریحی نیز اقتضا می‌کند که انسان‌ها از انجام دادن کارهایی که موجب تضییع حقوق دیگران و ظلم به آنها می‌شود اجتناب کنند. روشن است که استفاده بی‌رویه از محیط زیست و تخریب آن، ظلم به انسان‌های دیگر، از جمله به نسل‌های آینده، خواهد بود؛ چه ظلمی بالاتر از آن است که افراد یا دولت‌ها به گونه‌ای از منابع طبیعی بهره‌برداری کنند که به زندگی، سلامتی و حیات انسان‌های دیگر، آسیب جدی وارد شود؟ لذا به حکم عدالت تکوینی و تشریحی، همه بشر مکلف‌اند از طبیعت به نحو عادلانه برداشت کنند، و انگهی مسئله عدالت از دیدگاه اسلام، به ارتباط انسان‌ها با یکدیگر اختصاص ندارد، بلکه عدالت گسترده وسیعی دارد که شامل ارتباط انسان‌ها با حیوانات، نباتات و جمادات نیز می‌شود، چنان‌که در مباحث پیشین، به‌ویژه در نصوص ذکرشده، این نکته به‌خوبی آشکار شد. از این‌رو لازم است ارتباط انسان‌ها با همه موجودات هستی، از جمله با محیط زیست، و در مواجهه با حقوق نسل‌های آینده عادلانه باشد.

۵. ۱. ۴. عدالت درون‌نسلی: از دقت در آیات مطرح‌شده درباره عدالت تشریحی (مآخذ: ۸؛

نحل: ۹۰؛ حدید: ۲۵) به دست می‌آید که عدالت درون‌نسلی نیز از مصادیق عدالت تشریحی است، بدین معنا که علاوه بر عدالت تکوینی و یکپارچه، عدالت تشریحی نیز اقتضا دارد که در درون نسل‌های موجود در کره زمین نیز توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی، عادلانه باشد، یعنی آحاد مردم در توسعه، مشارکت داشته باشند و فرصت برابر به همه کشورها و همه آحاد نسل حاضر در

مسئله توسعه و استفاده از منابع طبیعی داده شود. چنان‌که گفته شد «بیشترین آیات مربوط به عدل، درباره عدل جمعی و گروهی است» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۱) و اهتمام قرآن کریم به عدالت به حدی است که «عدل قرآن همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است» (همان). از این‌رو با دقت در آیات مربوط به عدل می‌توان گفت دلالت آیات یادشده بر عدالت درون‌نسلی، واضح‌تر از دلالت آنها بر عدالت میان‌نسلی است. زیرا در عدالت درون‌نسلی، برخلاف عدالت میان‌نسلی، همه طرف‌ها بالفعل موجودند و حیات دارند. پس باید بهره‌مندی همه آنها از محیط زیست طبق ادله یادشده، عادلانه باشد؛ فرقی میان غنی و فقیر، قدرت‌های صنعتی و کشورهای دیگر نباشد. این درحالی است که اکنون قدرت‌های صنعتی بزرگ، تعادل محیط زیست جهان، از جنگل‌ها و مراتع تا لایه ازن را بر هم زده‌اند و در حال تخریب آخرین روزه‌های امیدند، به گونه‌ای که بیشتر ساکنان کره زمین را در میان آهن‌های خشن، دیوارهای بتنی، دود و آلودگی‌های گوناگون صنعتی، محبوس کرده‌اند و اگر انسان‌های آزاده و بارآده جهان برنخیزند و آنها را ملزم به بهره‌برداری عادلانه از مواهب کره زمین و جبران خسارت‌های واردشده و احیای دوباره محیط زیست نکنند، بروز فاجعه انسانی، برای همه ساکنان کره زمین، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از این‌رو یکی از محورهای مهم توسعه عدالت‌محور اسلامی، عدالت درون‌نسلی است. البته در اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست مصوب ۱۹۷۲، به ویژه در اصل‌های یازدهم، نوزدهم، بیستم و بیست‌و‌چهارم (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۵۹) و در اعلامیه ریو، اصل‌های پنجم، ششم، هشتم، دهم و سایر اصول آن (لواسانی، ۱۳۷۲: ۱۲۹) به عدالت درون‌نسلی توجه شده، ولی به مثابه برنامه اسلام در این زمینه، از جامعیت و پشتوانه‌های لازم برخوردار نیست.

نتیجه

مباحث پیشین نشان می‌دهد که در تراحم میان حق بر محیط زیست و حق بر توسعه، «اصل توسعه پایدار» که سازمان‌های بین‌المللی مطرح کرده‌اند و حفظ محیط زیست و تأمین نیازهای نسل‌های آینده از محورهای اساسی آن به شمار می‌رود، راه‌حل مناسبی نیست، و پشتوانه لازم ایمانی، اخلاقی و فرهنگی ندارد، بلکه روئینایی و بریده از عدالت سراسری جهان هستی است و بر اساس فرهنگ

غربی بنا شده و تحمیل فرهنگ غربی بر سایر جوامع را به دنبال خواهد داشت. دلایل اقامه شده از آیات، روایات، قواعد فقهی، روش عقلا و آرای صاحب نظران و توجه به جایگاه ویژه و بی بدیل دو حق یادشده در زندگی بشر، ما را به این نتیجه می‌رساند که راه حل التزام حق بر محیط زیست و حق بر توسعه، از منظر شریعت، توسعه عدالت محور اسلامی است که از محورهای اساسی اش، عدالت سیستمی و جهان شمول و قداست محیط زیست است. باور و رفتار بر اساس عدالت جهان شمول و نهادینه سازی قداست محیط زیست است که تعادل میان محیط زیست و توسعه را برقرار می‌کند و موجب می‌شود انسان بهره‌برداری بیش از حد لازم از طبیعت نکند، حرمت همه موجودات را نگه دارد، به حیوانات آزار نرساند، گیاهان را نابود نکند، آب‌ها را مسرفانه مصرف نکند، و از منابع و معادن عادلانه بهره‌برداری کند. از محورهای دیگر توسعه عدالت محور اسلامی، عدالت میان نسلی، عدالت درون نسلی و نهادینه سازی اخلاق محیط زیست، احکام محیط زیست و حقوق محیط زیست اسلامی در جامعه است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۹۲)، گردآوری: شریف رضی، ترجمه: علی شیروانی، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۶۴)، تکنولوژی و بحران محیط زیست، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- آقابخش، علی (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم سیاسی، انگلیسی-فارسی، تهران: بهرنگ، چاپ دوم.
- ابن خلدون (۱۴۰۸)، مقدمه ابن خلدون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- انصاری، مرتضی (۱۴۳۰)، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الحادی عشر، ج ۳.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۳۸۶)، القواعد الفقهیه، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ سوم.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۶۸)، شرح المختصر، قم: علامه، چاپ دوم.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: سمت، چاپ اول.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلام علی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم، ج ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء، چاپ چهارم.

- حق‌شناس، علی‌محمد؛ و دیگران (۱۳۹۸)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ دهم.
- خرازی، فردین (۱۳۸۷)، «حق توسعه بستر ساز تحقق حقوق بشر»، در: پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، س ۲، ش ۴، ص ۷۴-۹.
- دفتر حقوقی و امور مجلس (۱۳۸۳)، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ دوم، ج ۱.
- رحیمی، علی (۱۳۸۸)، «انسان، توسعه و محیط زیست»، در: علوم اجتماعی، ش ۲۰، ص ۱۱۰-۱۱۸.
- زمشخری، محمود بن عمر (بی‌تا)، الکشاف، قم: نشر ادب الحوزة، ج ۲.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹)، اخلاق و محیط زیست، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴)، من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ج ۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۳۰)، مجمع البیان، نجف: مکتبه دارالمجتبی، الطبعة الاولى، ج ۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ج ۱.
- عمید، حسن (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۵)، حق بر محیط زیست، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمدحسن (بی‌تا)، تفسیر الصافی، مشهد: دار المرتضی، ج ۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الاصول من الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ج ۲.
- _____ (۱۳۷۵)، الفروع من الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ج ۵.
- کیس، الکساندر؛ سند، پیتر اچ؛ وین‌فراید، لانگ (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۱.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰)، دانش‌نامه روابط بین‌الملل محیط زیست، تهران: نی، چاپ دوم.

- لواسانی، احمد (۱۳۷۲)، کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۵)، بحار الأنوار، تهران: کتابچی، ج ۵۱.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۳)، الاهیات محیط زیست، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷)، القواعد (مائة قاعدة فقهية)، قم: نشر الاسلامی، الطبعة الثالثة.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چاپ شانزدهم، ج ۱.
- معلوف، لوییس (۱۹۸۶)، المنجد فی اللغة والاعلام، بیروت: دار المشرق، الطبعة الحادية والعشرون.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ج ۱.
- موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، تهذیب الاصول، تقریر: جعفر سبحانی تبریزی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۳.
- موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۰)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: میزان، چاپ اول.
- مهرآرا، اسدالله؛ مدانلو جویباری، سپیده؛ زارع زیدی، علی‌رضا (۱۳۹۶). «بررسی نقش حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار»، در: شباک، ش ۲۹، ص ۹۱-۱۰۲.
- نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷)، عوائد الأيام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۹)، دین و نظام طبیعت، تهران: نی، چاپ اول.
- نوری، میرزا حسن (۱۴۰۹)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت، الطبعة الثانية، ج ۱۷.